

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Human rights

حقوق بشر

یادداشت اداره پورتال:

جریان محاکمه "پرویز کامبخش" را در بیدادگاه اداره مستعمراتی کابل یکی از همکاران قلمی پورتال با اقتباس از "کابل پرس" برای ما ارسال داشت، ما هم به خاطر آنکه ذات اداره مستعمراتی کابل را در مواجهه با یک جوان افغان بهتر آشکار ساخته باشیم و به تمام آنهاییکه هنوز هم به "دموکراسی امریکایی" دل بسته و مزایای آنرا نشخوار می نمایند، ماهیت فوق ارتجاعی و وابسته آنرا به صورت عریان نمایش دهیم، به نشر این گزارش با امانتداری کامل و پیراستاری های لازم، دست یازیدیم.

در غیر آن پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" حاکمیت کابل را یک اداره مستعمراتی و دست نشاندۀ قوای اشغالگر خارجی می داند، و با صراحت تمام اعلام می دارد که تمام نهاد ها و احاد این اداره مولود اراده استعمار بوده به هیچ صورت مبنای ملی، حقوقی و اخلاقی ندارد تا بیدادگاهی از آن، فردی از افراد افغانستان را به کدام اتهامی محاکمه نماید.

از نظر ما تدویر چنین خیمه شب بازی هایی بخشی از تلاش اداره مستعمراتی به غرض تحمیق مردم و تبلیغ "دموکراسی امریکایی" صورت گرفته و کاملاً محکوم است.



## جریان دادگاه تفتیش عقاید کابل درباره پرویز کامبخش

نویسنده: هارون خلیلی

سه شنبه ۱۱ نومبر ۲۰۰۸

قسمت دوم:

شاه ولی خان وردک استاد جغرافیه سیاسی دانشگاه بلخ / شهاب الدین ثاقب استاد دانشکده شریعت دانشگاه بلخ

شاه ولی خان وردک استاد جغرافیه سیاسی دانشگاه بلخ پشت مایک قرار میگیرد ، شاه ولی خان وردک هم در باره شخصیت پرویز در امنیت اظهارات کرده بود.

ناگفته نباید گذاشت که امنیت ملی بلخ نظر بیشتر از سی نفر استادان و دانشجویان دانشگاه ولایت بلخ را در باره شخصیت پرویز گرفته بود که تنها چهار استاد که نظر مخالف داشتند خواسته شد که از جمله سه استاد مربوط دانشکده شرعیات میباشد و یکی دیگر مربوط دانشکده ادبیات . آن اشخاص ادعا میکردند که پرویز در جریان درس سؤالی در باره دین اسلام میکرده ، دانشجو برای سؤال کردن در دانشگاه می آید. اما از سایر ۲۶ استاد که همه نظر مثبت نسبت به کامبخش داشتند خواسته نشد تا در محکمه حاضر گردند.

**قاضی:** شما محترم استاد شاه ولی خان هستید ؟

بلی استاد شاه ولی است همان استاد شاه ولی که چند لحظه پیش در اتاق با او ملاقات شخصی داشتی همان شاه ولی خان وردک است که ریاست دانشگاه بلخ از دست رشوه ستانی از محصلین از دستش به فغان آمده بود . حالا من حیث یک مسلمان حج کرده میخواهد شهادت بدهد

**شاه ولی خان وردک:** بلی .

**قاضی :** محترم قضاوت وال یوسفزی صاحب لطفا ورقه ۱۶۵ اظهارات استاد محترم شاه ولی خان استاد جغرافیای سیاسی پوهنتون بلخ را قرائت نمایید .

**منشی جلسه:** بسم الله الرحمن الرحيم ، به اجازه رییس استیناف محاکم ولایت کابل و رییس جلسه قضیه مورد بحث

" محترما اسامی سید پرویز کامبخش را سال گذشته ۱۳۸۵ که من جغرافیایی سیاسی را تدریس مینمودم در مقابل اینجانب و درس خویش توجه نداشت و در صنف همیشه مزاحم تدریس من و دیگر محصلین میگردد و سوالات مینمود مخالف دین مقدس اسلام میباشد و هر چه آنرا از سجایای قرآنکریم و ارشادات خداوندی هدایت میکردم ، عدم توجه خود را ابراز می نمود "

از شاه ولی خان وردک پرسیده شود آیا این سجایای قرآنکریم و ارشادات خداوندی را بالای خود هم تطبیق میکنی یا تنها بالای محصلین ، آیا در ارشادات خداوند آمده رشوه ستانی حلال است ؟

**وکیل:** تشکر میکنم از قاضی صاحب محترم ، بسیار زیاد استاد ببخشید چند سوال از شما ، شما جغرافیایی سیاسی تدریس میکند ؟

**شاه ولی خان :** بلی صاحب

**وکیل:** این درست است که شما از سالها به این طرف این نوت را تدریس کردید ؟

**شاه ولی خان:** بلی چهل سال میشود این نوت را تدریس میکنم

**وکیل:** عیناً نوت را تدریس می کنید یا تغییرات آمده در نوت ؟

وکیل میخواهد بگوید برای یک محصل آگاه نوت چهل سال پیش کدام دلچسپی ندارد و باید محصل در درس شما بی توجهی کند چرا در نوت فعلی در جغرافیایی سیاسی جهان تغییراتی آمده که اصلاً در نوت چهل سال پیش شما وجود ندارد .



روزی شاولی خان وردک در نوت خود گفته بود که در اثر اختلافات کره به دو [قسمت] تقسیم شد کره جنوبی و کره شمالی ، یکی از محصلین پرسید استاد کره یعنی چی استاد شاه ولی در جواب گفت که یعنی کره زمین دو تقسیم شد ، بیچاره استاد از نوت خود هم آگاهی نداشت که بداند کره همان کشور کوریا میباشد .

**شاه ولی خان:** من استاد جغرافیای سیاسی هستم .

قاضی میداند که شاهد دیگر هم در حال رسوا شدن است عاجل به نورستانی دستور میدهد که از موضوع خارج سؤال نکنید .

وکیل عصبانی میشود چون در سوال کردن دست باز ندارد و قاضی از اول جلسه طرف قرار گرفته و وکیل با عصبانیت میگوید .

**وکیل:** قاضی صاحب این ارتباط به موضوع دارد اگر شما نمیخواهید من سؤال نمیکنم

**قاضی:** سوال تان را کنید که داخل موضوع باشد .

**وکیل:** هر سوال به ترتیب به یک دیگر ارتباط دارد ، اگر نداشت شما میتوانید ایراد بگیرید ، در نوت جغرافیای سیاسی کدام موضوعات را تدریس میکنید؟

**شاه ولی خان:** علوم اجتماعی یک علم لایتناهی است پدر اینطور نیست که تنها چیزی سیاسی باشد ، در آفرینش کائنات هم ما حرف میزنیم .

**وکیل:** مشخصا همین ساعت درسی کدام موضوعات را در بر میگیرد ، موضوعات اسلامی و یا موضوعات جغرافیایی؟

**شاه ولی خان:** پیمان های سیاسی است پیمان های اجتماعی است پیمان های فرهنگی است . سرحدات است ، روابط بین الملل است ، کل قرار داد های اجتماعی را ما در جغرافیای سیاسی تدریس میکنیم

**وکیل :** بسیار خوب ، شما معلوم دار وقتی که موضوعات سرحدات و قرارداد های سیاسی باشد در موضوعات اسلام دخیل نیست چنانکه شما اظهار کردید که سوالات اسلامی از شما می شده است در این صنف ؟

پرویز در کدام ساعت درسی از استاد شاه ولی خان پرسیده بود که دنیا چی گونه به وجود آمده است ؟

**شاه ولی خان:** من یک روز صاحب وقتی که درس را ختم کردم ، من منحيث یک مسلمان فعلا حاجی هستم به حج بیت الله رفتم و مسلمان هستم الحمدالله ، دنیا پیدا شده و نظریات علما هر چه که است ، تنها خداوند قادر در آفرینش کاینات است ، این چیز را گفت و خصوصی گفت به من دلیل بگو و من برایش گفتم و قناعت کرد ،

**وکیل:** آیا کدام عکس العمل شدید در مقابل شما نشان نداد؟

**شاه ولی خان:** نه فقد پرسان کرده بود که دلیل بگو در رابطه به آفرینش کاینات .

**وکیل:** بناءً شما وظیفه خود دانستید منحيث یک استاد جواب ارائه کنید

**شاه ولی خان:** بلی من یک استاد هستم و هر محصل که سوال کند قناعت میدهم

**وکیل:** یعنی سوال کردن از استاد عیب نیست ؟

**شاه ولی خان:** نه چرا عیب باشد

**وکیل :** وقتی که از شما سوال شده شما این را عیب نمیدانید ؟

**شاه ولی خان:** نه چرا عیب بدانم او محصل است حق دارد سوال کردن را دارد

**وکیل :** تشکر

شاه ولی خان هم کدام چیزی برای محکمه شدن پرویز به کفر [نداشت] و همچنان قبول کرد که هر محصل حق سوال کردن را دارد و پرویز هم از این امر مستثنا نیست .

شهاب الدین ثاقب یک تن از استادان دانشکده شرعیات دانشگاه ولایت بلخ و یک سمستر استاد ثقافت اسلامی بالای صنف سوم روزنامه نگاری .

شهاب الدین ثاقب هم از جمله بیشتر از سی نفری است که نظرش را در باره شخصیت پرویز در امنیت ملی نوشته . پرویز روزی از او [هم] سوال کرده بود.

قاضی از قضاوت وال یوسفزی خواست تا اظهارات استاد شهاب الدین را قرائت کند .

**قضاوت وال یوسفزی:** پرویز به آن آیه کریمه باورمند نیست و قسمی که اعتراض میکرد عبارت بود از ازدواج فرد مسلمان با کنیز که در آیه قرآنی آمده و همچنان عدم ازدواج مسلمان با شخص مشرک یعنی با زن مشرکه را بیان میدارد ازدواج که ازدواج مسلمان را در حقیقت با کنیز مسلمان بهتر و خوبتر قلمداد میکند اما نامبرده اعتراض به این داشت که مسلمان با زن مشرکه باید ازدواج کند .

**وکیل مدافع:** وکیل مدافع هستم استاد محترم شما میدانید که این شهادت شما چی عواقب دارد ، درست است ؟

**شهاب الدین ثاقب:** عواقب شهادت آنچه من شهادت دادم برای رضای الله تعالی بوده و آنچه گذشته بوده در یکی از ساعات درسی ، من شهادت دادم عواقب که شهادت به دنبال دارد این ارتباط میگیرد به محکمه کنونی و آنچیزی که رضای الله تبارک تعالی قانون و اساس نامه ای افغانستان تایید میکند .

**وکیل مدافع:** تشکر استاد ، شما میفهمید که سید پرویز کامبخش محصل شما است ؟ شاگرد شما است متهم به نشر و پخش یک مقاله ضد اسلامی است ؟ بلی؟

**شهاب الدین ثاقب:** بلی این را میفهمم

**وکیل مدافع:** شما در شهادت تان هیچ چیز از موضوع مقاله یاد آوری نکردید درست است؟

**شهاب الدین ثاقب:** من آنچیزی که گفتیم گذشته بود شهادت دادم چون جریانات یکی از ساعات درسی را حکایت کردم.

**وکیل مدافع:** یعنی این جریانات ساعت درسی به مقاله هیچ ارتباط ندارد ؟

**شهاب الدین ثاقب:** نه ارتباط ندارد و من از جریان مقاله آگاه نیستم .

**وکیل مدافع:** من میخواهم توجه هیات قضایه در این مورد باشد که شهادت از اینها و استاد محترم که قبلا اینجا شهادت دادند به مقاله ارتباط ندارد.

**قاضی در همین موقع بار بار به مایکی که پیش روی اش قرار دارد میزند و صدا میکند نورستانی صاحب ، نورستانی صاحب .**

چون شاهد های که از طرف محکمه خواسته شده بود تاحال هیچ کدام در ارتباط مقاله شهادت نداند که مقاله را پرویز آورده است .

**قاضی:** نورستانی ببخشید ما سؤال شما را فهمیدیم اینطور است که هیأت تحقیق در جریان تحقیق همین سؤال ها شده البته به ارتباط موضوع.

**وکیل مدافع:** در جریان تحقیق از سی الی چهل نفر سؤال شده که سی الی چهل نفر چرا اینجا حاضر نیست ؟

**قاضی:** فرموده شما بسیار درست است ، چیز هایی که ارتباط داشته با موضوع ما آنها را خواستیم و آنها را که تاثیر نداشت ما به آنها ضرورت نداشتیم.

**قاضی صاحب نشان میدهد که همان شاهد های که شاهد اثبات هستند ما آنها را خواستیم شاهد های نفعی خواسته نشده اما حالا شاهد های اثبات هم در قضیه بی ارتباط شدند .**

**وکیل مدافع:** اظهارات سی نفر شاگرد های که در آنجا است یک نفر می آید به ضرر متهم شهادت میدهد و دیگر نظرات مثبت هیچ شنیده نمیشود . این چی رقم عدالت است ؟

**قاضی به مایک بار بار میزند تا حرف های نورستانی را قطع کند .**

**وکیل مدافع:** اگر اجازه باشد من دیگر سوال هم دارم از استاد .

**قاضی:** اول من جواب شما را بگویم

**وکیل مدافع:** بگوید

**قاضی:** باز شما میتوانید از اینها سؤال کنید ، اینطور است که شهادت در قانون دو قسم شهادت است یکی شهادت اثبات است یکی شهادت نفی است. محکمه مکلف است گفته های شاهد اثبات و نفی را بشنود اگر به ارتباط موضوع کسی

چیزی نگفته باشد اینطور کسی شهادت نداده که این آدم این مقاله را پخش نکرده یا اینطور گپ نزده البته گفته که این آدم در صنف بود و همیشه درس خود را میخواند به او اساس محکمه ضرورت پیدا نکرد که آنها را بخواهد .

**وکیل مدافع :** عینا شهادت همین دو استاد محترم که همینجا است موضوعات صنفی را یاد آوری کردند .

**قاضی :** این برداشت شما است محکمه از خود برداشت جداگانه دارد.

**وکیل مدافع :** امید وار هستم که برداشت محکمه عادلانه باشد.

**نورستانی اشاره به طرف استاد میکند و میخواهد از استاد سوال کند .**

**وکیل مدافع :** شما گفتید که

**وکیل مدافع :** شما استاد محترم گفتید که شخص موصوف در یکی از لکچر ها ؟ یعنی همیشه در لکچر ها نه؟ در یکی از لکچر ها از شما سوالات کرده بود ؟ بلی؟

**شهاب الدین ثاقب :** بلی

**وکیل مدافع :** به احکام الهی ؟

**شهاب الدین ثاقب :** بلی

**وکیل مدافع :** و شما همچنان گفتید که سوال یا اعتراض قسم بوده که ازدواج با کنیز که در آیه قرآنی آمده همچنان عدم ازدواج شخص مسلمان با شخص مشرک یا زن مشرکه درست است ؟ جواب شما چی بوده در این مورد ؟

**شهاب الدین ثاقب :** بسم الله الرحمن الرحيم ، قرآن عظیم الشان فرموده است آیه ۲۲۱ سوره البقره .

**شهاب الدین ثاقب این آیه را قرات میکند**

**شهاب الدین ثاقب :** این آیه کریمه بود که جرو بحث او پیرامون این آیه کریمه بود که قبلا من این را در جریان پیشتر عرض کردم و این سوال بود که به او پاسخ دادم .

**وکیل مدافع :** توانستید که قناعت اینها را فراهم بسازید یا نه ؟

**شهاب الدین ثاقب :** قناعت از اونها ، وقت کسی که ، این آیه قرآنی است از او انکار بکند ، او اصلا از من حکمت نخواستنه بود که حکمت چی است ، اعتراض بالای این موضوع میکرد اگر او از من حکمت میخواست من آماده پاسخ گویی به حکمت های او بودم .

**وکیل مدافع :** یعنی شما اینا [اینرا] میپذیرید که وظیفه استاد است برای محصلین جواب ارائه بکند در برابر سوال شان ؟

**شهاب الدین ثاقب :** بلی میپذیرم چرا نه ؟ هر سوال که محصل ارائه بکند به اندازه توان که دارم .

**قاضی در همین وقت منشی جلسه را متوجه وظیفه اش میکند ، منش هم دل بی غمی دارد گاهی با این گاهی با او در قصه است میداند درج موضوع کدام ارزش ندارد چون فیصله قبلا صورت گرفته و او هم خبر دارد که اصل گپ چی است .**

**قاضی:** منشی جلسه وظیفه ات را انجام نمیدهی درست.

**وکیل مدافع :** اگر سوالی که از توان شما بالا باشد در او صورت چی کار میکنید ؟

**شهاب الدین ثاقب :** این مربوط میشود به نظام و سیستم درسی و ارتباط میگیرد به اساسات قانون اساس نامه تحصیلات عالی

شهاب الدین ثاقب زبان اش بار بار بند میشود و نمیتواند اساسات و قانون اساس نامه را درست ادا کند.

**شهاب الدین ثاقب :** وقتی که کس چیزی را نفهمد هیچگاه و در هیچ صورت نمیخواهد چیزی دروغ را برای او فرزندان که آمدند چیزی دروغ را عرض بکنند پس به این اساس من هم یکی از خاصیت همین است که چیزی را نمیفهمیدم اورا به ساعت های بعدی موکول میکردم این موضوع نبوده که من چیزی دروغ را به آنها عرض بکنم .

**وکیل مدافع :** تشکر ، استاد اینطور بیاد شما می آید که در جریان یکی از ساعات درسی ، موبایل یکی از شاگرد های شما روشن بوده و زنگ برایش آمده بوده البته یکی از طبقه [جنس] اناث از محصلین شما ، و شما برایش گفته باشید از جنت برایش زنگ آمده ؟

**شهاب الدین ثاقب :** بلی آنچیزی که در صنف واقعیات اتفاق میفتد و آنچیزی که در جریانات درس اتفاق میفتد این مربوط و منوط میشود به همان جریان ساعت درسی و مربوط و منوط به ضیاع وقت برادران و کسانی که در اینجا حاضر شده اند نمیشود ، ممکن آمده باشد ممکن نیامده باشد وقتی که احياناً زنگ آمده باشد برایش بگویم که بلی زنگ آمده و ممکن است نگویم که زنگ آمده و یا که بگویم خاموش بکن این مربوط میشود به اداره و کنترل یک نفر استاد که در صنف میباشد و این مربوط به این نمیشود که ارتباط به جلسه قضایی کنونی بگیرد ..

**وکیل مدافع :** من کاملاً به حرف شما هم نوا هستم یعنی شما این را میپذیرید چیز های که در صنف جریان پیدا میکند مربوط به صنف میشود ؟

شهاب الدین ثاقب : آنچیزی که در صنف ارتباط میگیرد.

**وکیل مدافع :** اجازه بدهید ، حتی اگر گفته میشود که این زنگ از جنت برایش آمده این مربوط صنف میشود یعنی خارج از صنف این موضوعات ذکر نشود ؟

شهاب الدین ثاقب اندک وارخطا معلوم میشود چون او در صنف چنین گپی را زده بود و شاهد هم وجود داشت چون پرویز هم به گفته ای او سوالات اعتراض آمیزی میکرد اما از نظر شرعیت اسلامی گفتن چنین چیزی که از جنت زنگ آمده کفر محسوب میشود شاید او بترسد که عواقبش از پرویز کرده هم خطرناکتر است ، او یک ملا است و این حرف ها در دین خط قرمز محسوب میشود .

**شهاب الدین ثاقب :** اصلاً این ارتباط میگیرد به جریاناتی که شما موضوع را از اصل موضوع از اصل ریشه یابی حقیقی اش بیرون میکنید ، آنچه که در جریان است .

**وکیل مدافع :** یعنی شما همچون جواب هایی را برای محصلین تان میگویید درست است ؟

شهاب الدین ثاقب حالا مجبور میشود تا دروغ بگوید

شهاب الدین ثاقب : نگفتم من این موضوع را

**وکیل مدافع :** اگر اینجا یک از محصلین شما باشد و این را تایید بکند که شما همچو چیزی را گفتید ، بعد ازو چی کار خواهید کرد ؟

شهاب الدین ثاقب هم ترسیده و هم از او کرده بسیار نرم شده و او زبان برنده و تیزش را کنار مانده و میخواهد در دل چیزی تمنا داشته باشد.

شهاب الدین ثاقب : ببینید این اصلاً هیچ ارتباط نمیگیرد به موضوع قضایی کنونی ما

قاضی : نورستانی صاحب خواهش میکنم از موضوع خارج نشوید .

**وکیل مدافع :** قاضی صاحب محترم وقتی که شاهد خودش میگوید که این موضوعات سؤال و جواب مربوط قضا نمیشود ، مربوط جریانات صنفی میشود یعنی خود شاهد محترم این را میپذیرد که اینها ارتباط به مقاله ندارد صرف موضوع داخل صنف بوده ، نمیفهمم که شما این را چگونه ارتباط منطقی به قضیه میدهید ؟ این را شما میفهمید و عدالت تان .

**وکیل مدافع عصبانی شده و در جایش مینشیند طور اعتراض آمیز به روند محکمه.**

**شهاب الدین ثاقب :** این به این معنی نیست که من این را تایید کرده باشم ممکن به این معنی که در جریان درس بچه های شوخ است این امکانات است که همچو اتفاقات بیفتد و این ارتباط به جلسه قضایی ما چی میگیرد آنچه که در این رابطه است شما با من عوض نکنید . و شما اساس[اساساً] هیأت اکادمیک در این رابطه نیستید که چنین سؤال را بکنید که چنین سؤال را جواب دادی یا چنین سؤال را جواب ندادی آنچه در رابطه به اصل قضیه است شما از من سؤال بکنید من آماده هستم در حضور داشت همین مردم جواب ارائه بکنم.

وکیل مدافع پیام دارد میگوید اگر ما بخواهیم هر روز تعدادی از استادان و شاگردان محکوم به کفر میشود چون دانشگاه یک محیط اکادمیک است و چنین اتفاقات در این محیط عادی میباشد ، نباید سرو صدای چنین اتفاقات به محاکم و خائنوالی های کشور کشانده شود اگر نه کسانی که میخواهند ، علیه پرویز شهادت بدهند بار بار مرتکب چنین اشتباهاتی شده اند .

ادامه دارد